

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شایا: 1735-739X

دوره ۱۴، شماره ۲ (پیاپی ۷۲)، زمستان ۱۴۰۱

Doi: 10.29252/piaj.2023.228964.1303

صفحات: ۱۸۵-۲۱۰

برنامه‌های توسعه و توانمندسازی زنان پس از انقلاب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸

* ابراهیم عباسی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

** نوش آفرین عزیزی

چکیده

این مقاله، برنامه‌های توسعه و عملکرد معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری تا پایان دولت دوازدهم را بررسی کرده تا به این سوال پاسخ دهد که برنامه‌ها و کارگزاران اصلی آن چه نقشی در توانمندسازی سیاسی زنان داشته‌اند؟ مطابق نظریه توانمندسازی سارا لانگه فرضیه‌ای که به آزمون گذاشته می‌شود این است که سیاست جامع و منسجمی جهت توان افزایش سیاسی و اجتماعی زنان در برنامه‌های توسعه وجود نداشته و این برنامه‌ها، در بهترین حالت شکل حمایت‌گری و کمتر توانمندسازی داشته‌است. یافته‌ها نشان می‌دهد برنامه‌های توسعه، بیشتر به منظور افزایش فرصت‌های ساختاری برای بهبود جایگاه حقوقی زنان با تفسیر خاصی از عدالت جنسیتی تدوین و اجرا گردیده و به دلیل عدم توان کافی در زنان ایرانی برای بهره‌مندی از فرصت‌های ایجاد شده، نتوانسته بر توانمندسازی آنها به ویژه در عرصه سیاسی، تاثیر قابل توجهی ایجاد کند. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد کاربست مراحل پنجگانه توانمندسازی مورد نظر سارا لانگه که به جای تغییرات ساختاری حقوقی بیشتر بر عاملیت زنان و تغییرات در شرایط اقتصادی به همراه آموزش مهارت محوری تاکید فراوان دارد بهتر می‌تواند راهی برای ارتقاء وضعیت زنان و توانمندسازی سیاسی-اجتماعی آنان باشد چرا که با رد نگاه‌های فمینیستی با شرایط ایران تطبیق بیشتری دارد و به بومی‌سازی توانمندسازی در ایران کمک می‌کند. روش پژوهش کیفی و با رویکرد تبیینی است. داده‌ها با استناد به قانون برنامه‌های توسعه، گزارش عملکرد آن، گزارش نهادهای بین‌المللی در حوزه زنان و گزارش عملکرد معاونت زنان ریاست جمهوری جمع‌آوری و تحلیل شده‌است.

واژگان کلیدی: زنان، توانمندسازی سیاسی-اجتماعی، معاونت زنان ریاست جمهوری.

مقدمه

بحث در مورد "توانمندسازی" به دهه ۱۹۸۰ می‌رسد، اما "توانمندسازی زنان" در اوایل دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت (Batliwala 1994؛ Simon: 1994؛ Sen & Grown: 1987) و از زمانی که در دستور کار سازمان ملل در کنفرانس جهانی زنان (FWC) سال ۱۹۹۵ یکن، قرار گرفت، گفتمان روشنفکری جهانی را به خود جلب کرد. در ایران نیز تلاش‌هایی برای توانمندسازی زنان، در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی انجام شده است. اجرای شش برنامه توسعه در ایران و حضور پنج زن در راس نهاد امور زنان در ساختار اجرایی حاکمیت و برنامه‌های مختلفی که طی این چهار دهه در ایران اجرا شده نتوانسته باعث ارتقا عاملیت زنان در ساختار سیاسی و حتی اقتصادی شود. تاسی این برنامه‌ها از برخی اسناد بین‌المللی در حوزه زنان برخی حساسیت‌ها را نیز برانگیخته و رابطه افقی بین تشکل‌های زنان را، دچار تعارض کرده است. به نحویکه دولت‌های مختلف درگیر این تعارضات شده و برنامه‌ها، هم‌افزا نبوده است. بیشتر از همه تاکید بر برابری حقوقی جنسیتی، این برنامه‌ها را صحنه درگیری بین زن‌سالاران سیاسی^۱ کرده است.

هدف اصلی این پژوهش بررسی سیاست‌ها و اقدامات ساختارسیاسی در حوزه توانمندسازی زنان پس از انقلاب اسلامی و ارائه راهکاری برای توانمندسازی آن‌ها، متناسب با این ساختار حاکمیتی می‌باشد. از نظریه توانمندسازی سارا لانگه، به عنوان چارچوب نظری به منظور تحلیل داده‌ها استفاده شده تا به این سوال پاسخ داده شود که سیاست‌های اعلامی و اعمالی در حوزه زنان، تا چه اندازه، منجر به توانمندسازی سیاسی - اجتماعی آنان گردیده است؟ و فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه تمرکز سیاست‌گذاران بر افزایش توان حقوقی و تعدد زنان در مناصب سیاسی، نتوانسته، توانمندسازی سیاسی و اجتماعی آنان را، محقق کند، مورد آزمون قرارگیرد.

جنبه نوآوری این نوشته تاکید بر توانمندسازی و سنجش عملکرد معاونت زنان ریاست جمهوری و برنامه‌های توسعه در این مورد به منظور ارتقا عاملیت زنان است. بعدی که به نظر می‌رسد با تاکید بر توانمندی زنان به جای برابری حقوقی می‌تواند عدالت جنسیتی را به ارمغان بیاورد و کمتر حساسیت سنت‌گرایان در ایران را برانگیزد و چنان که در نوشته‌های زیر می‌آید کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. منظور از زن‌سالاران سیاسی، زنانی است که به‌عنوان معاون و یا وزیر در دولت حضور داشته‌اند.

به‌عنوان مثال آزاده کیان در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط اجتماعی جنسیتی و چالش اشتغال زنان»^۱ به بررسی اشتغال زنان بر افزایش توانمندی آنان در جامعه و خانواده پرداخته است. قلی‌پور، زهتابی، امیرخانی و آغاز نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «پیامدهای توانمندسازی زنان در ایران»^۲ تأثیرات کار و آموزش را، به‌عنوان دو شاخص توان افزایش زنان، مورد بررسی قرار داده‌اند. «تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه»، عنوان پایان‌نامه‌ای است که در آن، نویسندگان سعی کرده نشان دهد برنامه‌های توسعه، از کشمکش‌های گفتمانی در عرصه‌ی سیاست متأثر بوده و برهمین اساس در برنامه‌های اول و دوم عدالت آموزشی و بهداشتی مورد توجه قرار گرفته و در برنامه‌های سوم، چهارم و ششم، عدالت جنسیتی، بازتاب یافته است.

پژوهشی، تحت عنوان «بررسی وضعیت زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب» توسط مؤمنی، ارضرومیچلر و هنردوست انجام گرفته و در آن، جایگاه زنان در چهار برنامه نخست توسعه، مطالعه شده که نشان می‌دهد، گرچه طی اجرای این برنامه‌ها، وضعیت زنان از لحاظ بهداشت و آموزش، بهبود نسبی پیدا کرده ولی توانمندسازی زنان، به‌دست نیامده است. «تحلیل سیاست‌گذاری اجتماعی جمهوری اسلامی در حوزه‌ی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار» و «آزادی کار و حق اشتغال زنان در نظام حقوقی ایران و بازتاب آن در برنامه‌های توسعه»، از دیگر عناوین پژوهشی است که در حوزه‌ی مرتبط با موضوع این پژوهش، می‌توان از آن‌ها نام برد.

اما، بررسی ارتباط برنامه‌های توسعه و سیاستمداران زن ایرانی با توانمندسازی زنان که مساله اصلی این پژوهش است، از فراوانی پژوهشی بسیار کمی برخوردار بوده و عدم وجود منابع قابل استناد یکی از مهم‌ترین مشکلات در سازمان‌دهی این پژوهش می‌باشد. برهمین اساس در بسیاری موارد، نگارندگان، خبرها و گزارشات خبرگزاری‌های معتبر را مرجع بررسی‌های خود قرار داده تا با تحلیل کیفی آنها، با رویکردی علی-تبیینی، روند توانمندسازی سیاسی زنان در ایران را توسط معاونت زنان ریاست جمهوری و شش برنامه توسعه پس از انقلاب به بحث گذارد. با استفاده از این روش، برجسته‌ترین موضوعات مربوط به زنان از درون برنامه‌های توسعه استخراج شده و چگونگی اجرای آن توسط معاونت زنان ریاست جمهوری به بحث

1. Gender Social Relations and the Challenge of Women's Employment

2. The consequences of women's empowerment in Iran

گذاشته می‌شود. سرانجام با شاخص‌های هر مرحله نظریه توانمندسازی سنجیده می‌شود. یعنی در یک سطح تحلیل به مضمون برنامه‌های توسعه در مورد زنان و در سطح دیگر به چرایی عدم تحقق عاملیت زنان بر اثر اجرای این برنامه‌ها پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری: توانمندسازی زنان^۱

نظریه توانمندسازی زنان حاصل نظریات جهان سوم‌گرایان در پارادایم جنسیت و توسعه‌است و سعی می‌کند قدرت را کمتر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر و بیشتر از لحاظ توان زنان برای افزایش اتکا به خود شناسایی کند (تاج‌الدین و رحمتی‌والا، ۱۳۹۳: ۱۲۸). یکی از مدل‌های نسبتاً مطرح در زمینه توانمندسازی زنان، مدل سارا لانگه^۲ (۱۹۹۱) است. لانگه ضمن تأکید بر این ایده که برابری جنسیتی می‌بایست موضوع کانونی هرگونه برنامه توسعه‌ای پیرامون مسائل زنان باشد، مدل مفهومی پنج سطحی، به صورت زیر، برای توانمندسازی زنان ارائه می‌دهد.

۱. رفاه^۳: مرحله‌ای است که طی آن مسائل رفاه مادی زنان در مقایسه با مردان در مواردی مانند تهیه مواد غذایی و درآمد خانوار که مسائل نابرابری را در پی دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. فعالیت زنان برای پیشبرد رفاه خویش نسبت به مردان، آنان را درگیر فرایند تواناسازی می‌نماید (لانگه، ۱۳۷۲: ۲۹).

۲. دسترسی^۴: در اینجا تواناسازی به این معنا است که زنان دارای حقی برابر برای دسترسی به منابع در حیطه خانواده و در مقیاس بزرگ‌تر در سیستم کشوری، داشته باشند. بنابراین، برای توانمندسازی زنان باید دسترسی آنان به منابع اجتماعی را تسهیل و تقویت کرد (لانگه، ۱۳۷۲: ۳۰).

۳. آگاهی^۵: این مرحله مستلزم نگرشی خاص به جامعه است که در آن زنان، با یک تجزیه و تحلیل انتقادی به جامعه تشخیص می‌دهند که تبعیضاتی که پیشتر "طبیعی" قلمداد

1. women empowerment
2. Longwe Sara H
3. welfare
4. access
5. awareness

می‌شده است، تغییر پذیر هستند. توانمندسازی در این مرحله به معنای ارتقای آگاهی زنان در مورد وضعیت موجود و همچنین ترسیم وضعیت مطلوب و راه‌های رسیدن به آن وضعیت است. ۴. مشارکت^۱: در یک پروژه توسعه‌ای این به معنای حضور زنان در تمام مراحل بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا و ارزشیابی است. برابری در مشارکت در یک جامعه مردسالار به آسانی به دست نخواهد آمد، بنابراین افزایش حضورشان می‌تواند به منزله تواناسازی و یک عامل بالقوه مشارکت به سوی افزایش سطح تواناسازی باشد (لانگه، ۱۳۷۲: ۳۱).

۵. کنترل^۲: برابری کنترل به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است و این به معنای آنست که هیچ کدام از آنها در مقام فرمانروایی نخواهند بود. برابری در کنترل برای استفاده از سود برابر برای زنان لازم است و به این ترتیب این پنج معیار به صورت دایره کامل در می‌آید که از کنترل به رفاه باز می‌گردد (لانگه، ۱۳۷۲: ۳۲).

در این پژوهش نیز منظور از توانمندسازی، افزایش عاملیت زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی می‌باشد که منجر به تغییر توزیع قدرت به نفع زنان شود. این امر مستلزم حضور زنان در عرصه‌های مختلف تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و بهره‌مندی از منافع می‌باشد. به منظور سنجش توانمندسازی از شاخص‌های اعلامی مجمع جهانی اقتصاد و بانک جهانی با توجه به ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی، استفاده شده است.

بحث اصلی و یافته‌های پژوهش

۱) **برنامه اول توسعه در غیاب زنان اما موفق در برخی شاخص‌های اولیه توانمندسازی**
اولین برنامه توسعه در جمهوری اسلامی ایران، طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ توسط دولت موسوم به سازندگی و به ریاست جمهوری اکبر هاشمی‌رفسنجانی اجرا شد. در این برنامه، توسعه بر مبنای رویکرد جنسیتی مغفول مانده، ولی زنان ذیل توسعه آموزش عالی و ریشه‌کنی بیسوادی، از فرصت‌هایی برای توان‌افزایی برخوردار شدند (مومنی، ۱۳۹۳: ۷). از دگر سو توجه دولت و برنامه اول توسعه به تعدیل جمعیت، گسترش خدمات بهداشتی و مراقبتی از زنان را در برداشت (برنامه اول توسعه، ۱۳۶۸). به این ترتیب گسترش آموزش و بهداشت که دو خواست اساسی زنان بود، به کارگزاری دولت سازندگی تا حد زیادی گسترش یافت.

1. participation

2. control

اجرای این برنامه و افزایش سلامت باروری و ورود گسترده زنان به عرصه سوادآموزی، از یک سو می‌توانست از درد و رنج‌های جسمی زنان کاسته، عزت نفس آنان را در طراز بالاتری از قبل قرار دهد و از طرفی، دسترسی آن‌ها به منابع توانمندسازی از جمله اشتغال و آگاهی‌های نقادانه را افزایش داده و به این ترتیب علاوه بر این که آن‌ها را، در سطح بالاتری از رفاه، قرار می‌داد، امکان مشارکت موثر زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را نیز بالا می‌برد، ولی از آنجا که دیگر ملزومات فرآیند توانمندسازی ایجاد نشد و افزایش سوادآموزی و بهداشت در پیوند با دیگر شاخص‌ها و حلقه‌های توانمندسازی قرار نگرفت، موفقیت‌های این برنامه در زمینه‌ی توانمندسازی زنان، بیشتر به افزایش مشارکت عمومی و تا حدودی خودمقبول‌پنداری ختم شد و حتی تعداد قابل توجهی از زنان نتوانستند به افزایش رفاه که، از ابتدایی‌ترین سطوح توانمندسازی، محسوب می‌شود، دست یابند.

این خود می‌تواند ناشی از دو عامل اساسی باشد؛ در وهله اول سیاست‌گذاران و مجریان آن، دغدغه توانمندسازی زنان را نداشتند و زنان ذیل رویکرد رشدمحور حاکم، از برخی منابع توانمندسازی برخوردار شدند و در مرتبه دوم از بین رفتن و نبود بستری‌های نهادی و منابع انسانی کافی، امکان به‌کارگیری فرصت‌های جدید، جهت توانمندسازی زنان را با محدودیت مواجه کرده بود.

جدول ش(۱)- تجمیع شاخص‌های توانمندسازی زنان در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

برنامه‌های توسعه و اقدامات	منابع و فرصت‌های ایجاد شده	دسترسی	آگاهی بخشی	افزایش قدرت تصمیم‌گیری	مشارکت	کنترل	توضیحات
برنامه اول	آموزشی و بهداشتی	متوسط	x	متوسط	گسترده	زیاد	

۲) برنامه دوم توسعه و نهادسازی‌های زنان؛ تلاش برای رسیدن به مرحله رفاه و دسترسی در توانمندسازی زنان

در برنامه دوم توسعه که طی سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ اجرا گردید، هم‌چون برنامه اول، نگاه مدیران و برنامه‌ریزان کشوری فارغ از دغدغه‌های زنان بود ولی ذیل برنامه‌های کنترل جمعیت، به افزایش آگاهی‌های زنان، سوادآموزی و سلامت بارداری پرداخته شده بود. علاوه بر این،

برنامه‌ریزی برای گذران اوقات فراغت و ورزش بانوان نیز مورد توجه قرار گرفته بود. تقویت خانوادگی اسلامی هم از موضوعاتی بودند که به آنان پرداخته شد و به طور غیرمستقیم زنان را مخاطب قرار می‌داد (برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۳).

در دولت هاشمی (سال ۱۳۷۰)، شهلا حبیبی^۱، به‌عنوان اولین مشاور رئیس جمهور در دفتر زنان پس از انقلاب منصوب شد. مهم‌ترین اقدامات حبیبی تحت عنوان مشاور رئیس جمهور در دفتر امور زنان، تاسیس ساختارهای اولیه جهت حضور زنان در دستگاه‌های اجرایی بود. علاوه بر این، نهادسازی و همکاری میان سه قوه در این دوران، یکی از عوامل تأثیرگذار در تصویب قوانینی چون قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست، قاضی مشاور، اجرت‌المثل زنان و تصویب ارائه مهریه به نرخ روز، بود. احیای بخش پژوهش در حوزه زنان، ایجاد معاونت ارتباطات بین‌المللی، تلاش در جهت تقویت نهادی دفتر امور زنان از طریق اجرای پروژه‌های مشترک با آژانس‌های بین‌المللی نیز در این دوران صورت گرفت.^۲

به این ترتیب با ایجاد منابع نهادی جهت افزایش مشارکت زنان در عرصه سیاسی اولین گامها برای توانمندسازی سیاسی و حقوقی زنان در دولت برداشته شد و روند افزایش سوادآموزی و سلامت باروری زنان، در این دوره نیز ادامه پیدا کرد. در چنین شرایطی می‌توان گفت به‌طور کلی زنان در سطح رفاه، دسترسی به منابع توانمندسازی، به‌ویژه در زمینه مشارکت سیاسی و هم‌چنین منابع انسانی چون مهارت‌ها تحصیلی و بهداشتی روند روبه‌رشدی را تجربه کردند. هرچند این منابع در مقابل موانع متعدد ناتوان‌ساز زنان بسیار ناکافی بود، اما به هر روی امید به توانمندسازی زنان و تکمیل حلقه‌های توانمندسازی در آینده، باتوجه به سیاست‌های دولت و معاونت امور زنان و خانواده دور از انتظار نبود.

۱. شهلا حبیبی، در کرمانشاه متولد و در سال ۱۳۶۳ در رشته زیست‌شناسی در آن شهر فارغ‌التحصیل شد. وی برخاسته از اردوگاه اصول‌گرایان بود (پیام تسلیت مسئولان در پی درگذشت اولین مشاور رئیس جمهور در امور زنان، بازدید (۱۴۰۱/۵/۱۰)، news/82657767/www.irna.ir).

۲. نگاهی به فعالیت‌ها و شخصیت مرحومه شهلا حبیبی، بازدید (۱۴۰۱/۲/۵) <http://mehrkhane.com/fa/news/37509>

جدول ش(۲)- تجمیع شاخص‌های توانمندسازی زنان در برنامه دوم توسعه و اقدامات دفتر امور زنان ریاست جمهوری (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

برنامه‌های توسعه و اقدامات	منابع و فرصت‌های ایجاد شده	دسترسی	آگاهی بخشی	افزایش قدرت تصمیم‌گیری	مشارکت	کنترل	توضیحات
برنامه دوم	نهادسازی در قوای دولتی	محدود	محدود	محدود	محدود	متوسط	

۳) برنامه سوم و شکل‌گیری مرکز مشارکت زنان: تلاش برای رسیدن به مرحله آگاهی

برنامه سوم توسعه طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ توسط دولت هفتم و به ریاست سید محمد خاتمی اجرا گردید و نخستین برنامه پس از انقلاب محسوب میگردد که رویکرد توسعه جنسیتی در آن لحاظ شده است (برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۹) و توجه به مقوله اشتغال، در صدر تأکید بر امور زنان قرار دارد، به طوری که در ماده ۵۶ و قسمت “ب” و “د” ماده ۱۵۸ به امور اقتصادی و اشتغال زنان، اشاره شده است (آقابخشی؛ ۱۳۸۹: ۶۰).

همزمان در این دوره، به دستور رئیس‌جمهور وقت، دفتر امور بانوان، که از سال ۱۳۷۰ تا آن زمان (۱۳۷۶) شاخص‌ترین نهاد دولتی در امور زنان محسوب می‌شد به “مرکز امور مشارکت زنان” تغییر نام داد و موظف شد اقداماتی شامل: سازماندهی طرح‌های مطالعاتی در خصوص مسائل و نیازهای زنان، ارائه طرح‌های لازم برای تسهیل و اصلاح امور حقوقی و قضایی زنان، تمهیدات لازم جهت تشکیل توسعه سازمان‌های غیردولتی زنان و بررسی زمینه‌های لازم فعالیت اقتصادی زنان را انجام دهد (مومنی، ارضرومچیلر و هنردوست، ۱۳۹۳: ۹).

ریاست مرکز امور مشارکت زنان در دولت‌های هفتم و هشتم به‌عهده زهرا شجاعی^۱ بود. در زمان تصدی‌گری شجاعی، اقداماتی در راستای بهبود وضعیت زنان انجام گرفت. اصلاح قوانین مربوط به سن ازدواج، تعیین مصادیق عسر و حرج و حضانت فرزند، که از مهم‌ترین فعالیت‌های حقوقی دولت خاتمی است و لغو ممنوعیت اعزام دانشجویان دختر به خارج از

۱. زهرا شجاعی متولد ۱۳۳۵ در شهر تهران است. وی تحصیلاتش را در رشته علوم سیاسی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران آغاز کرده و دارای دکترای علوم سیاسی و مدیریت استراتژیک است و تدریس در دانشگاه‌های تهران و الزهر(س) را در کارنامه خود دارد (زندگینامه زهرا شجاعی، بازدید ۱۴۰۱/۵/۱۰) <http://hamshahronline.ir/details/352224/Culture/literature>

کشور، از جمله این اقدامات بود.^۱ همچنین در این دوره، سازمان‌های غیردولتی زنان تا نُه برابر افزایش یافتند و فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی متعددی انجام گرفت که در تغییر رویکرد اجتماع به بحث زنان مؤثر بود. علاوه بر موارد ذکر شده، دفتر مشارکت زنان دوران اصلاحات جهت الحاق ایران به کنوانسیون رفع هرگونه اشکال تبعیض علیه زنان، بسیار تلاش کرد، لیکن با مخالفت‌های گسترده‌ای مواجه شد و نهایتاً به تصویب نرسید.^۲

به هر ترتیب در این برنامه، زنان به‌عنوان گروه خاصی از جامعه در برنامه‌های کلان کشوری راه پیدا کردند. این امر توانست در سال‌های بعد به گسترش مطالعات آکادمیک و تولید دانش حول مسائل زنان بیانجامد و اولین قدم برای توانمندسازی زنان و افزایش آگاهی‌های انتقادی و اصلاحات ساختاری در این رابطه باشد ولی در عمل چندان توفیقی در توانمندسازی زنان در این دوره هم صورت نگرفت، چراکه توجه مرکز مشارکت زنان، بر توانمندسازی حقوقی و افزایش دانش زنانه مبتنی بود؛ در این نگاه، کلیت زنان ایرانی در نظر گرفته نشده بودند و بیشتر تمرکز بر زنان تحصیل کرده طبقه‌ی متوسط بود. علاوه بر این با توجه به ساختار سیاسی حاکم بر کشور اقداماتی که در این دوره در راستای توانمندسازی زنان انجام شده بود با تغییر دولت، جهت‌گیری آن عوض شد.

در این زمان مشارکت زنان در سطح نخبگی سیاسی و کسب مناصب دولتی تاثیرگذار هم که به نظر می‌آمد مورد نظر دولت اصلاحات و مرکز مشارکت امور زنان باشد نیز تحقق نیافت و علاوه بر زهرا شجاعی به‌عنوان رئیس مرکز مذکور، تنها معصومه ابتکار^۳ به‌عنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، به کابینه‌ی مردانه دولت هفتم و هشتم راه یافت. ابتکار، به‌عنوان نخستین زنی که پس از انقلاب ۱۳۵۷ وارد هیات دولت شده بود (فرخ زاد، ۱۳۸۱: ۶۳) تا حدودی می‌توانست به تغییر فرهنگ سیاسی کشور منوط بر عدم توانایی زنان در کسب مناصب بالای سیاسی، کمک کند ولی در عمل چندان موثر نیفتاد، چراکه در مرتبه اول این مشارکت سیاسی بسیار کمتر از آن بود که بتواند در جامعه به چشم آید، و در مرتبه دوم گرچه ابتکار، از کارنامه علمی و مدیریتی قابل قبولی برخوردار بود ولی به نظر می‌رسید نزدیکی ابتکار

۱. بنی‌یعقوب، ژبلا: وضعیت زنان در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، بازدید (۱۴/۲/۱۴۰۱)، http://www.bbc.com/persian/iran/story/2005/08/050810_pm-women-khatami.shtml

۲. درباره عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، بازدید (۱۴/۵/۱۴۰۱)، <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100552>

۳. معصومه ابتکار متولد ۱۳۳۹ در تهران، تحصیلاتش را تا سطح دکترا در رشته ایمنولوژی به پایان رسانده و به‌عنوان روزنامه نگار، مترجم، فعال سیاسی و یکی از مدافعان حقوق زنان شناخته می‌شود (فرخزاد، ۱۳۸۱: ۶۳).

به حلقه‌های قدرت و پیشینه‌ی انقلابی او بیشتر از کارنامه علمی و کاری‌اش در رسیدن وی به منصب فوق موثر بوده است.

به این ترتیب، برنامه سوم توسعه و مرکز مشارکت زنان به ریاست زهرا شجاعی نیز، توانست علاوه بر حفظ روند روبه رشد شاخص‌های آموزش و بهداشت و سلامت که می‌توانست سطح رفاه، دسترسی به منابع توانمندساز و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی را ارتقاء دهد، افزایش آگاهی‌های نقادانه و تغییر قوانین نابرابر و توانمندسازی حقوقی زنان را نیز در دستور کار خود قرار دهد ولی از آن جاکه در سیاست‌گذاری‌ها کمتر تنوع نیازهای زنان در نظر گرفته شده بود و از دگر سو، تعداد زیادی از زنان، توان کافی برای بهره‌گیری از فرصت‌های حقوقی و سیاسی را نداشته و موانع ناتوان‌ساز زنان نیز، از قدرت زیادی برخوردار بودند، این برنامه و کارگزاران آن، نتوانست فرایند توانمندسازی سیاسی و اجتماعی زنان را به مرحله‌ی بلوغ و یا حتی تثبیت برساند.

جدول ش (۳) - تجمیع شاخص‌های توانمندسازی زنان در برنامه ی توسعه سوم و اقدامات

مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

برنامه‌های توسعه و اقدامات	منابع و فرصت‌های ایجاد شده	دسترسی	آگاهی بخشی	افزایش قدرت تصمیم‌گیری	مشارکت	کنترل	توضیحات
برنامه سوم	طرح‌های تحقیقاتی و مطالعاتی در حوزه زنان	محدود	متوسط	متوسط	محدود	محدود	
	اصلاح قوانین خانواده و ازدواج	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	
	افزایش سمنها	محدود	محدود	محدود	محدود	x	

مآخذ: سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران و گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۵

۴) برنامه چهارم و مرکز امور زنان و خانواده؛ تضاد برنامه و عمل

در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸)، توانمندسازی اقتصادی و اشتغال‌یابی زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانوار مورد تاکید قرار گرفته است (ماده ۹۷، ۱۰۲، ۳۰). برگسترش فرصت‌های برابر آموزشی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقاء بهره‌وری سرمایه‌های انسانی

به‌ویژه برای دختران، پرداخته شد (ماده ۵۲). به توانمندسازی حقوقی، اجتماعی و اقتصادی زنان در ذیل گسترش نهادهای مدنی، اشاره شده (ماده ۹۸) و به‌طور خاص در ماده ۱۱۱ بر تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت‌ها و گسترش سطح مشارکت آنها، از جمله از طریق ایجاد بسترهای مناسب حقوقی، مهارت‌افزایی و تشکلی مدنی، پرداخته است (برنامه چهارم توسعه: ۱۳۸۳).

در این برنامه، علاوه بر مواردی که به‌طور خاص به زنان اشاره شد، بر موضوعات دیگری نیز تأکید شده که گرچه جنبه همگانی دارند ولی در صورت اجرایی شدن، زنان می‌توانستند از مهمترین سودبرندگان آن باشند که از جمله آن‌ها، می‌توان به ماده ۱۰۱، ۱۷۱، ۵۵، ۱۰۰ و ۱۰۴ اشاره کرد. (برنامه چهارم توسعه: ۱۳۸۳).

اجرای این برنامه بیش از هر نهادی، متوجه مرکز امور زنان بود که در دولت نهم به مرکز امور زنان و خانواده تغییر نام یافت و ریاست آن به جز دوره کوتاه ۲-۳ ماهه (۱۸ آذر ۱۳۸۴-۲ اسفند ۱۳۸۴) برعهده زهره طیب زاده نوری^۱ قرار گرفت. وی، مخالفت جدی با حضور زنان به‌عنوان وزیر در کابینه‌های دولتی داشت و معتقد بود تأکید بر حضور وزیر زن در کابینه، رویکرد فمینیستی می‌باشد و تعویض جایگاه زن و مرد است و کاری تبلیغاتی است.^۲

مرکز امور زنان و خانواده در این دوره، طرح‌های پژوهشی و دوره‌های آموزشی را با شکلی مشابه، اما محتوا و رویکردی متفاوت، پیگیری کرد. حمایت از زنان سرپرست خانوار، زنان شاغل، زنان کارآفرین و تعاونی‌های زنان، از جمله فعالیت‌هایی است که دولت نهم نیز همانند دولت اصلاحات آنها را پیگیری کرد. طرح‌های متفاوتی چون «طرح ملی رحمت» برای آشنایی اقشار گوناگون مردم با الگوهای رفتاری اهل بیت (ع) هم در دولت نهم اجرا شد.^۳ حضور زنان در هیات دولت در این دوره نیز، همان سیاق دولت قبل را طی کرد؛ یعنی در این دوره هم، سازمان حفاظت محیط زیست، تنها جایی در کابینه تماماً مردانه دولت نهم بود که نام یک زن را به‌عنوان رئیس خود به نمایش گذاشت.

به هر روی، برنامه چهارم توسعه عملاً به کنار گذاشته شد و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در ذیل رویکرد جناح سیاسی حاکم، اقدامات پراکنده البته بعضاً موثر با

۱. زهره طیب‌زاده نوری متولد ۱۳۳۹ در تهران است. وی دارای مدرک تحصیلی دکتری دندانپزشکی از دانشگاه شهید بهشتی بوده و از اعضای جبهه پایداری است که نماینده دوره نهم مجلس شورای اسلامی را هم، در کارنامه خود دارد (مرکز پژوهش‌های مجلس، بازدید (۱۴۰۱/۵/۱۸)، https://rc.majlis.ir/fa/parliament_member/show/812598).

۲. مخالف حضور وزیر زن در کابینه دولت/وزارت زنان تعویض جایگاه زن و مرد است؛ بازدید (۱۴۰۱/۵/۱۰)، www.tasnimnews.com/fa/news/1391/11/08/16420

۳. فاطمی هدی، تصمیم زنان، سیاست‌ها و عملکردهای دفتر امور بانوان، بازدید (۱۴۰۱/۵/۱۱)، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، wrc.ir/hora/detail/3/6/1389/36/333

اتکاء به اصول دینی و ایدئولوژی سیاسی مورد قبول خود به انجام رسانند. به این ترتیب که در این دیدگاه، نابرابری میان زن و مرد موضوعی کاملاً طبیعی قلمداد می‌شود ولی افزایش شاخص‌های توانمندسازی زنان، جهت انجام بهتر تکالیف آنان در قبال خانواده، حکومت و جامعه اسلامی مورد نظر بود و با اتخاذ روشهایی که با جامعه سنتی ایرانی هم‌خوانی بیشتری داشت در برخی موارد توانست منشا اثرات مثبت در جایگاه زنان سنتی ایران بوده باشد.

آمارها، نشان می‌دهد که در این برهه، موفقیت اقتصادی زنان که پیوند مستقیم با سطح رفاه آن‌ها داشته، روندی افزایشی را طی کرده و دیگر شاخص‌های موثر بر توانمندسازی زنان چون بهداشت، آموزش و مشارکت موثر سیاسی نیز در سطح نسبتاً پایداری قرار گرفته و دچار تغییرات قابل توجهی نسبت به قبل نشده است. از آن‌جا که برنامه مدونی از افزایش سطح درآمدهای زنان و توانمندی اقتصادی آن‌ها، حمایت نمی‌کرد و آن‌ها خود نیز عاملیت خاصی در به دست آوردن این موفقیت نداشتند، حفاظت و به کارگیری آن برای طی ادامه مراحل توانمندسازی نیز آسان نبود و دیری نپایید که این دستاورد، به ناکامی گرایید و می‌توان ادعا کرد به جزء گروهی بسیار محدود، زنان در این دوره نتوانستند تغییر قابل ملاحظه‌ای در سطح توانمندی سیاسی-اجتماعی خود، مشاهده کنند.

جدول ش (۴)- تجمیع شاخص‌های توانمندسازی زنان در برنامه چهارم توسعه و اقدامات مرکز مرکز امور زنان و خانواده (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

برنامه‌های توسعه و اقدامات	منابع و فرصت‌های ایجاد شده	دسترسی	آگاهی بخشی	افزایش قدرت تصمیم‌گیری	مشارکت	کنترل	توضیحات
برنامه چهارم	x	x	x	x	x	x	این برنامه در حوزه زنان به دلیل تضاد رویکردها، اجرا نشد
مرکز امور زنان و خانواده	رد رویکردهای فمینیستی و اقدامات انجام گرفته در دولت‌های پیشین	گسترده	محدود	x	x	x	
	برنامه‌های حمایتی اقتصادی	محدود	x	بسیار محدود	محدود	محدود	

۵) برنامه پنجم؛ مخالفت با توان افزایشی فمینیستی و موفق در برخی شاخص‌های توانمندسازی
برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) به کارگزاری دولت اصولگرای دهم و ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد تدوین گردید. مواد ۱۵، ۱۹، ۲۶، ۳۹، ۱۹۶، ۸۰، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۲۷ و ۲۳۰ از جمله مواردی می‌باشند که زنان مخاطب آن بودند یا می‌توانستند به طور ملموس از آن بهره‌مند شوند اما اساس برنامه‌های تدوین شده در ارتباط با زنان در این دوره، مواد ۲۲۷ و ۲۳۰ بود. در ماده ۲۲۷ خواسته شده دولت نسبت به تهیه و تدوین "سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی" اقدام قانونی به عمل آورد و در ماده ۲۳۰، دولت موظف شد با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذیربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب "برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده" اقدام قانونی نماید (برنامه پنجم توسعه: ۱۳۸۹).

به این ترتیب، برنامه پنجم توسعه، توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار، خانواده و ارزش‌های دینی در ارتباط با زنان را در مرکز ثقل سیاست‌های خود قرار داد. گرچه برخی معتقدند قرار دادن زنان در کنار خانواده، استقلال و فردیت زنان را نادیده انگاشته و موجودیت او را به خانواده پیوند می‌زند، لیکن نمیتوان از نظر دور داشت که در جامعه کنونی ایران تعداد زیادی از زنان در قالب خانواده، هویت و موجودیت خود را تعریف میکنند و ازدواج و تشکیل خانواده، مشروط به داشتن برخی ویژگیها، میتواند به عنوان عاملی جهت توانمندسازی سیاسی و اجتماعی زنان در نظر گرفته شود.

به هر روی، گرچه در این برنامه سعی شد به گونه‌ای بومی‌سازی صورت گیرد اما توان افزایشی اقتصادی به صورت محدود مورد توجه قرار گرفت، عاملیت، آگاهی و تصمیم‌سازی و خودکنترلی زنان بر امور چندان مورد توجه قرار نگرفته و صرفاً دسترسی به منابع مالی محدود برای زنان جهت توسعه مشاغل خانگی را در نظر داشته که بیش از توان افزایشی، جنبه حمایتی دارد. دولت دهم در زمینه به کارگیری زنان در سطوح بالای مدیریتی نسبت به دولت‌های پیشین کارنامه قابل قبول تری از خود بهجا گذاشت. البته این رویکرد دولت چندان ارتباطی به مرکز امور زنان و خانواده نداشت و بیشتر به نظر شخصی رئیس جمهور و تصمیمات او مرتبط بود. در این دوره، ریاست مرکز امور زنان و خانواده بر عهده مریم مجتهدزاده^۱ قرار گرفت. وی مهمترین

۱. مریم مجتهدزاده، متولد ۱۳۳۶ در ساری می‌باشد. وی دارای مدرک کارشناسی ارشد آموزش پرستاری بهداشت از دانشگاه تربیت مدرس است و از بدو تاسیس سپاه پاسداران جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۶۰ به عنوان مدرس سیاسی به عضویت این نهاد

دغدغه مرکز زنان و خانواده را تشکیل و حفظ بنیان خانواده، حرکت در جهت ترویج نظریه‌های اسلامی و رویکرد انتقادی به نظریه‌های غربی در حوزه زنان میدانست.^۱ زمینه‌سازی برای دورکاری زنان دارای فرزند زیر هفت سال و معلول، افزایش میزان مرخصی زایمان و افزایش سنوات تحصیل مادران دانشجو و تدوین لایحه امنیت زنان، از جمله فعالیت‌های مرکز زنان، در دولت دهم بود.^۲

در این دولت شاهد به کارگیری نخستین وزیر زن پس از انقلاب در قوه مجریه می‌باشیم. مرضیه وحید دستجردی^۳ وزیر پیشنهادی احمدی‌نژاد برای وزارت بهداشت و درمان بود. معرفی او به‌عنوان وزیر با واکنش‌های منفی برخی علما همراه بود اما در نهایت او از مجلس رأی گرفت و سرانجام پس از سه سال و نه ماه پرتلاطم کاری توسط محمود احمدی‌نژاد از سمت خود عزل شد.^۴ حضور دستجردی در هیات دولت، نسبتاً موفقیت‌آمیز بود و توانست فرهنگ سیاسی زن‌گریز را با چالش مواجه سازد. به هر روی، بررسی آمارها در این دوره از فعالیت معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و همزمان با برنامه پنجم توسعه نشان می‌دهد که موفقیت‌های اقتصادی زنان در ابتدا اندکی روند صعودی داشته ولی در نیمه دوم این دوره رو به نزول گذاشته که به‌طور کلی این صعود و نزول را، می‌توان ناشی از عوامل جانبی چون تحریم‌های بین‌المللی و جریان فروش نفت دانست.

شاخص موفقیت تحصیلی نیز در ابتدای این دوره رشد منفی را تجربه کرده و در ادامه با روندی صعودی در سطحی متناسب با دوره‌های پیشین ثابت مانده، بهداشت و سلامت مادران نیز، تقریباً در حالتی ثابت نسبت به دوره‌های قبل نشان داده شده است ولی توانمندی سیاسی، اندکی رشد مثبت را تجربه کرده که این خود می‌تواند ناشی از رویکرد رئیس دولت دهم برای، به‌کارگیری زنان در سطوح بالای مدیریتی دولتی باشد. به هر ترتیب، در این دوره اگر سطوح ۵ گانه توانمندسازی سارا لانگه را ملاک قرار دهیم تغییر بسیار اندکی در سطح

درآمد(مریم مجتهدزاده رئیس مرکز امور زنان و خانواده شد، بازدید(۱۴۰۱/۵/۱۵)، <https://dolat.ir/detail/184570>

۱. زنان از هر حزب، عقیده و گروه را به مشارکت می‌طلبیم، بازدید(۱۴۰۱/۵/۱۰)، <https://bidarzani.com/10607>

۲. عملکرد مرکز امور زنان ریاست جمهوری در دولت‌های نهم و دهم، بازدید(۱۴۰۱/۳/۱۰)، www.irna.ir/news/80683269

۳. مرضیه وحید دستجردی در سال ۱۳۳۸ در تهران متولد شد. وی دارای دکترای تخصصی زنان و زایمان از دانشگاه تهران بوده و نمایندگی مجلس در دوره‌های چهارم و پنجم و هم‌چنین عضویت در حزب جامعه زینب را در کارنامه خود دارد(زندگینامه مرضیه وحید دستجردی، بازدید(۱۴۰۱/۲/۹)، www.jambaran.news مؤلف-۳۱۸-مرضیه-وحید-دستجردی)

۴. چگونگی عزل و نصب دستجردی به وزارت؛ آشنایی با خبرسازترین زن ایرانی؛ بازدید(۱۴۰۱/۵/۱۰)، www.tasnimnews.com/fa/news/1392/10/08/234857

مشارکت سیاسی زنان و آگاهی‌های نقادانه زنان در این دوره رقم خورد و سطوح رفاه، دسترسی و کنترل دستاوردها نه تنها ارتقاء پیدا نکرد که در برخی موارد روندی منفی را تجربه نمود.

جدول ش (۵)- تجمیع شاخص‌های توانمندسازی در برنامه پنجم توسعه و اقدامات

مرکز امور زنان و خانواده (۱۳۹۰-۱۳۹۴)

توضیحات	کنترل	مشارکت	افزایش قدرت تصمیم‌گیری	آگاهی بخشی	دسترسی	منابع و فرصت‌های ایجاد شده	برنامه‌های توسعه و اقدامات
	متوسط	محدود	محدود	محدود	متوسط	ارائه الگوهای دینی و تاگید به حضور زنان در خانه	برنامه پنجم
	محدود	بسیار محدود	بسیار محدود	محدود	بسیار محدود	گسترش حضور زنان در مناصب مدیریتی و اولین وزیر زن	

۶) برنامه ششم؛ عدالت جنسیتی و توانمندسازی سیاسی

تدوین این برنامه توسط دولت یازدهم به ریاست جمهوری حسن روحانی انجام گرفت. در این برنامه به طور خاص ماده ۱۱۰ به زنان اختصاص یافته است ولی مواد دیگری نیز در برنامه گنجانده شده که بی ارتباط با زنان نمی‌باشد؛ ذیل بند چهار بر اعمال سیاست‌های اشتغالزایی، مهارت‌افزایی و حمایت از مشاغل کوچک خانگی تاکید شده است؛ ماده ۷۶ دولت را مکلف کرده است تا با رعایت سیاست‌های کلی جمعیت، سلامت مادر و کودک و ارتقای شاخص‌ها، نسبت مرگ مادر و نوزادان را ذیل قانون تأمین کند؛ در ذیل ماده ۸۰ بر پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی از طریق اصلاح متون درسی دوره آموزش عمومی و پیش‌بینی آموزش‌های اجتماعی و ارتقای مهارت‌های زندگی و خدمات‌رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با مشارکت سازمان‌های غیردولتی پرداخته شده و بند "ت" این ماده بر تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار طبق قوانین و مصوبات شورای اجتماعی، توسط ریاست جمهوری (معاونت امور زنان) تاکید دارد.

در ماده ۱۰۱، آمده است: کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند با سازماندهی و تقویت

جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات براساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام نمایند. ماده ۱۰۲ با محوریت خانواده و گسترش و تحکیم کارکردهای اساسی آن با رعایت شاخص‌ها و الگوی ایرانی-اسلامی پرداخته، ماده ۱۰۳ به بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار و ساخت خوابگاه‌های دانشجویی متاهل و ماده ۱۰۴ سیاست‌ها و راهبردهایی در راستای کاهش طلاق را بیان داشته است (برنامه ششم توسعه: ۱۳۹۶). در برنامه مذکور، بر استیفای حقوق قانونی و شرعی زنان در همه عرصه‌ها با رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی، تاکید شده و این شاید از مهمترین تفاوت‌های این برنامه با برنامه‌های پیشین است؛ عدالت جنسیتی در همه عرصه‌ها می‌تواند نشان از تلاش دولت برای گسترش توانمندی‌های زنان در همه عرصه‌ها از جمله سیاست باشد.

معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری با ریاست شهیندخت مولوردی^۱ شاخصترین نهاد دولتی بوده که در ارتباط با برنامه توسعه ششم در حوزه زنان به ایفای نقش پرداخت. فعالیت‌های وی، با موانع ساختاری و جانبی فراوانی روبرو بود ولی توانست اقداماتی در راستای بهبود جایگاه زنان در جامعه انجام دهد که از جمله آنان می‌توان به تلاش برای بازنگری در قوانین مدنی و خانواده؛ افزایش سهم زنان از نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و حل مشکلات زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب از طریق بیمه، پیگیری تصویب لایحه کاهش ساعت کاری زنان شاغل دارای شرایط خاص، لایحه بیمه زنان خانه‌دار، آیین‌نامه بیمه فراگیر اجتماعی، لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت، رفع مشکل بی‌تابعتی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی نیز اشاره کرد. در این دوره با افزایش مشارکت زنان، میزان رشد حضور زنان در پست‌های مدیریتی سیاسی به ۱۸۹ نفر رسید و در میان شاخص‌های مربوط به شکاف جنسیتی، بیشترین رشد امتیاز در دولت یازدهم، مربوط به بخش سیاست

۱. شهیندخت مولوردی، متولد ۱۳۴۴ در آذربایجان غربی می‌باشد. وی تحصیلاتش را، در مقطع کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی به پایان رسانده و دبیرکل جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان می‌باشد (شهیندخت-مولوردی، بازدید (۱۴۰۱/۵/۱۵)، www.tabnak.ir/fa/tags/15204/1) و در زمینه علمی نیز پژوهش‌های قابل توجهی انجام داده است؛ (زندگینامه شهیندخت مولوردی، بازدید (۱۴۰۱/۵/۱۰)، www.hamshahronline.ir/news/234303). مولوردی، در دوران ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی، مدیر ارتباطات بین‌الملل مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری بوده و نام او در میان اعضای انجمن زنان اصلاح طلب و همچنین ائتلاف اسلامی زنان نیز به چشم می‌خورد (زندگینامه شهیندخت مولوردی، بازدید (۱۴۰۱/۵/۱۰)، www.jamran.ir).

بود. مولودری همچنین به خوبی از قدرت فضای مجازی برای نشر آگاهی‌ها پیرامون مسائل زنان بهره برد و زنان را به افکار عمومی و رسانه‌ها برگرداند. در این میان استفاده از مطالعات و پیشنهادات سازمان‌های بین‌المللی برای ارتقاء وضعیت زنان از دیگر اقدامات مولودری در حوزه توانمندسازی زنان محسوب می‌شود.

رویکرد دولت مبتنی بر عدالت جنسیتی در حوزه‌ی مشارکت سیاسی که با گسترش مدیران زن در سطوح میانی در این دوره همراه بود و تلاش دولت بر افزایش این رقم به ۳۰ درصد و همچنین تلاش برای ورود زنان به عرصه‌های مدیریتی که تا آن زمان کاملاً مردانه دانسته می‌شدند، حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و گسترش آنان از نکات مثبت در راستای توانمندسازی زنان در این دوره بود. البته این اقدام دولت بی‌تاثیر از مطالبه جامعه زنان ایرانی نبود. با این همه، چون زنانی که به این سطح از مدیریت دست یافتند در برخی موارد مهارت‌ها و شاخص‌های توان‌افزایی سیاسی را کسب نکرده بودند، تاثیر اندکی بر توان‌افزایی سیاسی سایر زنان داشته و خود چندان قادر به تصمیم‌سازی و کنترل دستاوردهای خود نبودند.

در دولت دوازدهم، ریاست معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری به معصومه ابتکار سپرده شد و به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد رویکرد حاکم بر معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری دولت یازدهم، در دولت دوازدهم هم پیگیری شد. موفقیت‌آمیزترین جنبه‌های فعالیت‌های این نهاد دولتی در این دوره، افزایش مشارکت سیاسی زنان در سطوح بالای مدیریتی محسوب می‌شود. چنانچه انتصاب مدیران زن در همه سطوح مدیریت دولتی از ۱۲.۷ درصد در سال ۹۶ به ۲۲.۶ درصد در سال ۹۹ افزایش یافت.^۲ معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در این دوره، در حوزه‌های دیگری چون اقتصاد، اجتماع، سلامت و بهداشت هم اقداماتی در ادامه کارهای دولت‌های پیشین انجام داد ولی یکی از جنبه‌های تفاوت اقدامات معاونت زنان و خانواده در این حوزه‌ها، نسبت به دولت‌های قبلی، استفاده و توجه بیشتر به امکانات فضای مجازی بود ولی از آن‌جا که این اقدامات، مبتنی بر برنامه عمل جامع و مدونی نبود، نتوانست تاثیر چندان قابل توجهی در وضعیت اقتصادی زنان ایجاد کند. طبق گزارش مجمع جهانی اقتصاد، زنان ایرانی از نظر شاخص مشارکت اقتصادی در رتبه ۱۵۰ از میان ۱۵۶ کشور قرار می‌گیرند و سهمشان از بازار کار ایران تنها ۹/۱۸ درصد می‌باشد (World Economic Forum, 2021) و این در حالی است که پس از بحران کرونا، برآوردها خبر از کاهش این میزان به ۱۴ درصد هم می‌دهند

۱. دستاوردهای حوزه زنان در دولت یازدهم، بازدید (۱۴۰۱/۴/۸)، <http://www.bartarinha.ir/fa/news/591327>،
۲. رشد بیش از ۷۶ درصدی انتصاب مدیران زن در دولت دوازدهم؛ بازدید (۱۴۰۱/۵/۱۰)، <https://www.irna.ir/news/84049706>

(Chamlou,2022 and Laudati and Pesaran,2021).

به این ترتیب با وجود تلاش‌های زیاد و اقدامات مناسب، برنامه ششم توسعه و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری نیز نتوانست به اهداف خود حتی در توانمندسازی اقتصادی که مرکز توجه برنامه‌های توسعه پس از انقلاب بود دست یابد، چراکه در این برنامه نیز، توانمندسازی به‌طور کامل مورد نظر نبوده و صرفاً ایجاد فرصت‌های برابر حقوقی برای تمام افراد جامعه در دستورکار بود. در حالیکه جامعه هنوز چنان که شایسته است به عاملیت زنان در عرصه عمومی اعتقادی ندارد و زنان، خود نیز از توان کافی برای مقابله با محدودیت‌ها برخوردار نیستند. بنابراین، گرچه دسترسی زنان نخبه به منابع مدیریتی افزایش یافته ولی، حتی با احتساب این افزایش مشارکت سیاسی، ایران در میان ۱۵۵ کشور مورد بررسی توسط مجمع جهانی اقتصاد، در سال ۲۰۲۱ از نظر شاخص توانمندسازی سیاسی^۱ در رتبه ۱۵۱ قرار گرفته است.^۲

جدول ش (۶)- تجمیع شاخص‌های توانمندسازی در برنامه ششم توسعه و اقدامات معاونت امور

زنان و خانواده (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

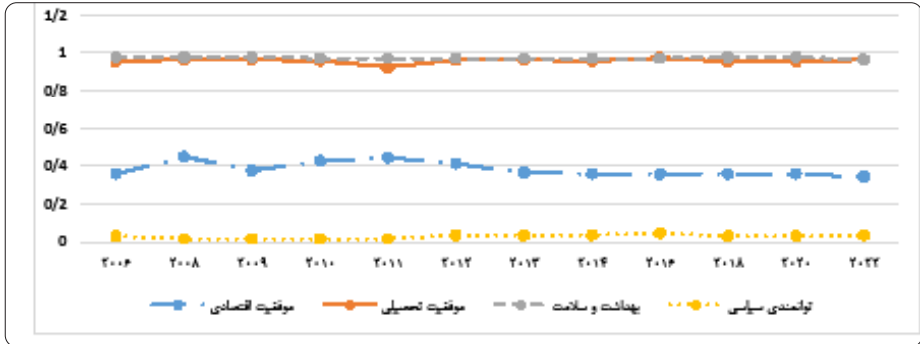
توضیحات	کنترل	مشارکت	افزایش قدرت تصمیم‌گیری	آگاهی بخشی	دسترسی	منابع و فرصت‌های ایجاد شده	برنامه‌های توسعه و اقدامات
	متوسط	متوسط	محدود	خوب	متوسط	اصلاح انگاره‌های منفی فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با زنان و توجه به آسیب‌ها در حوزه زنان	برنامه ششم
	محدود	محدود	محدود	محدود	محدود	افزایش مشارکت سیاسی زنان	

مآخذ: گزارش‌های شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۲۲

۱. مجمع جهانی اقتصاد، از سه سنجه تعداد زنان در پارلمان، زنان در مناصب وزارتی و عالی اجرایی و زنان در بالاترین مقام اجرایی کشور برای سنجهش توانمندسازی سیاسی زنان استفاده می‌کند (www.weforum.org).

2-2021: بازدید (10/5/1401) www.weforum.org/reports/global-gender-gap-report

نمودار شماره (۲)- روند تغییر برخی عناصر موثر بر توانمندسازی زنان طی اجرای برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه



نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مقاله با اتکا به نظریه توانمندسازی سارا لانگه، برنامه‌های توسعه پس از انقلاب و تلاش‌های معاونت زنان ریاست جمهوری در توانمندسازی زنان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد توانمندسازی زنان و مراحل پنجگانه آن قرین موفقیت‌هایی بوده و نمیتوان تاثیر برنامه‌های توسعه و معاونت مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری را، بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور، نادیده گرفت. به این صورت که می‌توان به طور مشخص افزایش شاخص‌های بهداشتی و سلامتی در طول اجرای برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، تاکید بر اشتغال زنان خانه‌دار و حمایت اقتصادی از زنان سرپرست خانوار توسط معاونت امور زنان و خانواده در دولت نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم، استفاده از الگوهای دینی برای ارتقاء شأنیت و مسئولیت‌پذیری زنان در طول اجرای برنامه پنجم و استفاده از ظرفیت‌های کارآفرینی فضای مجازی در طول اجرای برنامه ششم را، عواملی تاثیرگذار بر افزایش توانمندی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان ایرانی ارزیابی کرد و از دگر سو نهادسازی در ساختارهای سیاسی برای مشارکت زنان در عرصه سیاست رسمی کشور در طول اجرای برنامه دوم توسعه، افزایش انجمن‌های مردم نهاد زنانه و افزایش مطالعات آکادمیک در حوزه زنان در طول برنامه سوم توسعه، افزایش زنان در مناصب سیاسی طی اجرای برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و هم‌چنین افزایش نمود سیاسی زنان در فضای مجازی طی اجرای برنامه ششم توسعه را، نیز می‌توان از مهم‌ترین تاثیرات برنامه‌های توسعه و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری بر توانمندسازی سیاسی زنان ایرانی ارزیابی کرد.

به هر ترتیب موفقیت‌هایی در راستای توانمندسازی زنان پس از انقلاب با رویکردهای متفاوت نسبت به زنان حاصل شد؛ به این صورت که برنامه اول و دوم توسعه بر مبنای رویکرد توسعه رشد محور قرار گرفت و توانست بر، برخی شاخص‌های توانمندسازی زنان، تأثیرگذار باشد. در برنامه سوم توسعه با اتخاذ رویکرد زن و توسعه، زنان به برنامه‌های توسعه داخل شدند و در این برنامه‌ها به رسمیت شناخته شدند. در برنامه چهارم توسعه، توانمندسازی زنان بر مبنای رویکرد جنسیت و توسعه مورد توجه قرار گرفت که باتوجه به تغییر کارگزاران اجرایی، این برنامه عملیاتی نشد. در برنامه پنجم توسعه نیز رویکرد زن در خانواده براساس مبانی دینی و سنتی در مرکز توجه قرار گرفت که توانست نسبت به ارتقاء وضعیت گروه خاصی از زنان، تأثیرگذار باشد، اما به نظر می‌آید این برنامه‌ها و کارگزاران دولتی آنان زمانی می‌توانند زنان را در دستیابی به وضعیت مطلوب توانمندی یاری کنند که به زنان خانه‌دار به‌عنوان گروه مهمی از زنان ایرانی توجه ویژه شود ولی این رویکرد به معنای نفی فردیت و استقلال زن ایرانی نباشد. به عبارتی برنامه‌های توسعه و توانمندسازی باید زن ایرانی با موجودیت مستقل و نیازهای جدیدش را نیز به رسمیت بشناسد و میان کار و زندگی خانوادگی تعادل مناسب ایجاد کند، تا بتواند در راستای اصلاح الگوها و ساختارهای محدود کننده پیشین گام بردارد. با توجه به شرایط خاص جامعه ایرانی به نظر می‌آید اتخاذ رویکرد توانمندسازی در عدالت جنسیتی می‌تواند برخی ظرفیت‌های مدنی- دینی و اجتماعی مغفول مانده در جامعه ایرانی را به کار گیرد و تأثیرگذاری بیشتری بر افزایش توانمندی‌های زنان ایرانی داشته‌باشد.

برهمن اساس، به‌نظر می‌آید برنامه ششم توسعه و معاونت زنان و خانواده دولت یازدهم و دوازدهم، که تجربه برنامه‌های پیشین را با خود داشت با تجمیع موفقیت‌های آنها و تعادل بین خانواده و کار، توجه به ظرفیت‌های بومی زنان در کشور و ظرفیت‌های بین‌المللی، استفاده از فضای مجازی، تأکید بر عاملیت زنان و گذر از تأکید بر آموزش به مهارت‌آفرینی، در ذیل عدالت جنسیتی گرچه فاصله خود با دیدگاه توانمندسازی سارا لانگه، مبتنی بر برابری جنسیتی را حفظ کرده است ولی در عین حال توانسته بیشترین قرابت را نسبت به سایر برنامه‌های توسعه و کارگزاران آن با این نظریه داشته‌باشد و گام‌های نخستین، در این رابطه را برداشته‌است.

اگر این روند دچار سیاست‌زدگی‌ها نگردد، میتوان امید داشت برنامه هفتم توسعه با محوریت معاونت زنان و خانواده، به توانمندسازی سیاسی و اجتماعی زنان توجه بیشتری مبذول دارد. هر چند این نهاد خود با چالش‌های اساسی چون تعدد نهادهای سیاست‌گذار، کمبود اختیارات،

نبود ضمانت اجرا و هم چنین نداشتن برنامه عملی برای توانمندسازی سیاسی و اجتماعی زنان مواجه بوده است. مضاف براین، معاونت زنان و خانواده طی سالیان گذشته بیشترین تلاش خود را بر فرصت‌سازی ساختاری و حقوقی قرار داده و کمتر بر ظرفیت‌آفرینی میان زنان توجه داشته است که باتوجه به شرایط جامعه ایرانی در عمل چندان نتیجه بخش نبوده و آمارها در پایان اجرای برنامه ششم توسعه، خبر از آن می‌دهند که زنان ایرانی در سطوح بسیار پائینی از توانمندسازی قرار دارند. بنابراین باید پذیرفت که در حال حاضر نمی‌توان بر این ایده پافشاری کرد که راه توانمندسازی زنان ایرانی صرفاً از تغییر قوانین و گسترش توانمندی‌های حقوقی شروع می‌شود. بر همین مبنا می‌توان موارد زیر را برای تسریع و تسهیل توانمندسازی زنان پی گرفت:

- با توجه به اهمیت عاملیت زنان در فرآیند توانمندسازی، افزایش مهارت‌های زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بر ارتقاء عاملیت آن‌ها کمک کرده و دسترسی آنان به منابع توانمندسازی را افزایش داده و منجر به افزایش سطح توانمندی آن‌ها شود. این در حالی است که سیستم آموزشی ما بیشتر مدرک‌گرا بوده و کمتر به آموزش‌های مهارت‌آفرین توجه می‌کند. بنابراین یکی از گام‌های اساسی برای ارتقاء توانمندسازی زنان، اصلاح نظام آموزشی و گسترش آموزش‌های مهارت‌محور در میان زنان می‌باشد.

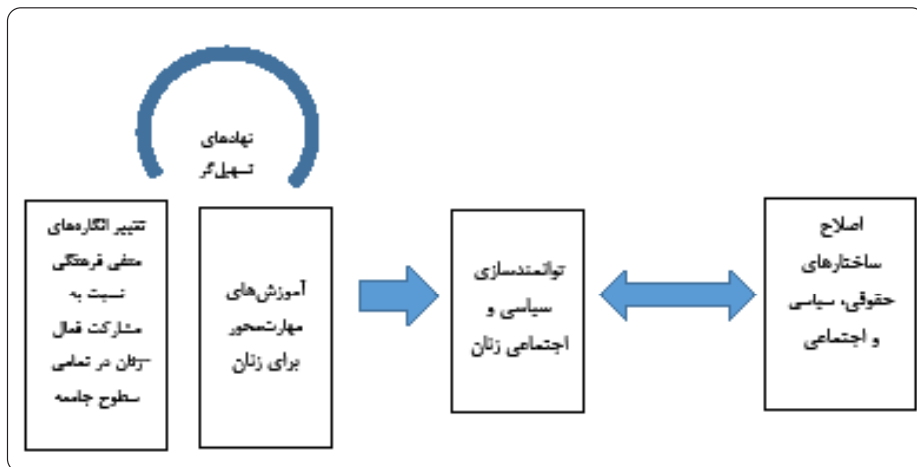
- نهاد معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری، گرچه گام‌هایی برای توانمندسازی زنان برداشته ولی با توجه به مشکلات متعدد ساختاری، برنامه‌ریزی و عملکردی، نتوانسته نقشی پیشرو در این حوزه داشته باشد. بنابراین اصلاحات ساختاری و تخصصی‌تر کردن بخش‌های مختلف این نهاد می‌تواند اثر مثبتی در عملکردهای آن به‌ویژه در حوزه توانمندسازی زنان داشته باشد. از جمله این اصلاحات ساختاری می‌توان به ایجاد سازمان توانمندسازی زنان، به‌طور تخصصی، اشاره کرد. - تسریع و تثبیت توانمندسازی زنان متضمن استفاده موثر از ظرفیت‌های مدنی جامعه ایرانی و نهادهای یاری‌گری می‌باشد که بتواند علاوه براین که زنان را در افزایش رفاه، مشارکت، دسترسی به منابع و بالا بردن آگاهی‌های انتقادی یاری کند، با آنان برای حفاظت از دستاوردهایشان نیز همراه باشد. چنین نهادهایی را می‌توان در ایجاد و احیای تعاونی‌ها، بنگاه‌های کارآفرینی، تشکل‌های محله‌محور و مواردی از این قبیل یافت که برای رسیدن به موفقیت، باید از اجماع و همکاری نهادهای دولتی و غیردولتی و هم‌چنین مروجان و کنشگران مدنی، سیاسی و اقتصادی، هم‌زمان بهره ببرند. - گرچه توانمندسازی زنان در سال‌های اخیر هم در محافل دانشگاهی و هم در بخش حاکمیتی کشور مورد توجه قرار گرفته ولی بیشترین تمرکز در این حوزه بر توانمندسازی اقتصادی

زنان سرپرست خانوار بوده که آن هم در بیشتر موارد به حمایت‌گری اقتصادی تقلیل داده شده و دیگر ابعاد توانمندسازی و گروه‌های زنان، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین به‌ویژه بر روشنفکران و فعالین حوزه زنان لازم است تا با انجام پژوهش‌ها و تحلیل و تبیین‌های مناسب، جریان‌سازی مناسب جنسیتی در ذیل توانمندسازی زنان در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی را شکل دهند.

- از آن‌جا که رویکرد توانمندسازی، انعطاف‌قابل توجهی نسبت به جوامع محلی دارد، می‌توان این رویکرد را، متناسب با شرایط خاص جامعه ایرانی بومی‌سازی کرد و در ارتقاء توانمندی‌های زنان از آن بهره برد، توانمندسازی زنان مبتنی بر عدالت جنسیتی فارغ از نگاه حقوقی، می‌تواند نمونه‌ای از بومی‌سازی این رویکرد متناسب با جامعه ایرانی باشد. به عبارتی از آن‌جا که در توانمندسازی، بیشترین تمرکز بر قدرت خلاق، تولیدی و درونی افراد می‌باشد و کمتر به دستیابی قدرت، در مقایسه با دیگران می‌پردازد، می‌توان متناسب با جامعه ایرانی برای پیشبرد اهداف توانمندسازی از رویکرد عدالت جنسیتی، بهره برد به شرط اینکه استفاده از این رویکرد مستلزم به‌کارگیری ایده برابری جنسیتی نباشد.

بنابر آن چه گفته شد می‌توان به‌طور کلی فرآیند زیر را که متناسب با واقعیت‌های کنونی جامعه ایرانی است برای تسریع و تسهیل توانمندسازی زنان به کار گرفت.

نمودار ش (۳)- فرآیند پیشنهادی توانمندسازی سیاسی و اجتماعی زنان در ایران



منابع

- آزمند زینب (۱۳۹۴)، آزادی کار و حق اشتغال، استاد راهنما: سلطانی سید ناصر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس، دانشکده علوم انسانی
- آقابخشی حبیب اله و محتشمی مهنوش (۱۳۸۹)، "بررسی جایگاه زنان در محتوای برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب"، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره ۷: صص ۴۷-۷۱
- باجلان اکرم (۱۳۹۸)، تحلیل سیاست‌گذاری اجتماعی جمهوری اسلامی در حوزه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، استاد راهنما: سلطانی علی اصغر، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده زن و خانواده - پرتال خبری وزارت کشور؛ کارنامه وزارت کشور - ۴/ بازخوانی اهم اقدامات دفتر زنان و خانواده وزارت کشور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، بازدید (۱۵/۳/۱۴۰۱)، /۱۵۵۳۴۳/اخبار/moi.ir/fa
- پژوهشکده زن و خانواده، سیاست‌ها و عملکردهای دفتر امور بانوان، بازدید (۱۱/۵/۱۴۰۱) wrc.ir/hora/detail/3/6/1389/36/333
- تاج‌الدین محمدباقر و لیلی رحمتی والا (۱۳۹۳)، "رسانه ملی و زنان سرپرست خانوار"، مطالعات راهبردی زنان، سال هفتم، شماره ۶۷: صص ۱۱۹-۱۶۱
- خبرگزاری مجلس شورای اسلامی؛ تقویت ساختارها برای بهبود وضعیت زنان از برنامه‌های معاونت امور زنان در دولت دوازدهم است، بازدید (۱۰/۳/۱۴۰۱)، www.icana.ir/Fa/News/346988
- علی‌پور پروین (۱۳۹۶)، تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه‌های پنج‌ساله جمهوری اسلامی ایران، استاد راهنما، زاهدی محمدجواد، مرکز تحصیلات تکمیلی
- فاطمی هدی (۱۳۸۹)، تصمیم زنان، دومه‌نامه علمی، فرهنگی و اجتماعی حوراء، شماره ۳۵: بازدید (۱۱/۵/۱۴۰۱)، wrc.ir/hora/detail/3/6/1389/36/333
- فرخ‌زاد پوران (۱۳۸۱)، کارنمای زنان کارای ایران، نشر قطره.
- لانگه، سارا (۱۳۷۲)، معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، تهران، روشنگران
- مرکز آمار ایران، سامانه خدمات اطلاع‌رسانی آماری - سالنامه آماری؛ <https://sis.sci.org.ir>
- مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی ایران، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱
- مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی ایران، قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا، مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵
- مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی ایران، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

- فرهنگی ج.ا.ا، مصوب ۱۳۸۹/۰۶/۱۱
- مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی ایران، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا، مصوب ۱۳۷۳/۰۹/۲۰
- مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی ایران، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا، مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷
- مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی ایران، قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا، مصوب ۱۳۹۶/۰۱/۱۶
- معاونت امور زنان و خانواده؛ تاریخچه، بازدید (۱۴۰۱/۳/۳)، [/women.gov.ir/detail/15604](http://women.gov.ir/detail/15604)
- مؤمنی فرشاد، ارضرومچیلر سمیه، هنردوست عطیه (۱۳۹۳)، ”بررسی وضعیت زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب“، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۶، شماره ۱: صص ۱-۲۸.
- Gholipour Aryan, Zehtabi Mona, Amirkhani Tayyebe, Aghaz Asal (2009), “The consequences of women’s empowerment in Iran”, Problems and Perspectives in Management, Volume 7, No.4: 100-108.
- Batliwala, S)1994), Women’s Empowerment in South Asia: Concepts and Practices. Mumbai: Asian South Pacific Bureau of Adult Education.
- Chamlou Nadereh (2022), “COVID-19 Depressed Women’s Employment Everywhere, and More So in Iran”, Freedom of Thought Journal, No. 11: 29-36.
- Kian Azadeh (2014), “Gender Social Relations and the Challenge of Women’s Employment”, Middle East Critique, Volume 23, No.3: 333-347.
- Longwe Sara H (1991), Gender Awerness: The Missing Element in the Third World Development Project, a Chapter of “Changing Perceptions Writing on Gender and Development”, by Wallace T. & March C, Oxfam
- Laudati, Dario, M. Hashem, Pesaran (2021), “Identifying the Effects of Sanctions on the Iranian Economy Using Newspaper Coverage,” Journal of Economic Literature, CESifo Working Paper, no. 9217: 50-97.
- Sen G. & Grown C (1987), Development, crises, and alternative visions: third world

women's perspectives, New York, Monthly Review Press

- Simon, B. L (1994), The Empowerment Tradition in American Social Work: A History Empowering the Powerless: A Social Work Series Empowering the Powerless, New York, Columbia University Press.
- Women, Business, and the Law (2022), World Bank. <https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/36945/9781464818172.pdf?sequence=7&isAllowed>
- World Economic Forum › reports › global-gender-gap-reports ; <https://www.weforum.org/reports/global-gender-gap-reports>
- <https://hdr.undp.org/reports-and-publications>

